

نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه تعارض کار - خانواده و طرحواره عشق
با نگرش به روابط فرازنشویی زوجین هر دو شاغل

Mediating Role of Emotional Intelligence in the Relationship between
Work-Family Conflict and Love Schemes with Attitudes
toward Infidelity in Dual-Career Couples

<https://doi.org/10.48308/JFR.19.3.461>

M. R. Mahdigholi, M.A

Department of Counseling, University of Ardakan,
Ardakan, Iran

F. Behjati Ardakani, Ph.D.

Department of Counseling, University of Ardakan,
Ardakan, Iran

Y. Rezapour Mirsaleh, Ph.D.

Department of Counseling, University of Ardakan,
Ardakan, Iran

Z. Ahmadi Ardakani, Ph.D.

Department of Counseling, University of Ardakan,
Ardakan, Iran

محمد رضا مهدی قلی

گروه مشاوره، دانشگاه اردکان

✉ فاطمه بهجتی اردکانی

گروه مشاوره، دانشگاه اردکان

یاسر رضا پور میر صالح

گروه مشاوره، دانشگاه اردکان

زهرا احمدی اردکانی

گروه مشاوره، دانشگاه اردکان

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۳/۲۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۱۴۰۲/۸/۲۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۹/۲

Abstract

This study to examines the mediating role emotional intelligence can play in the relationship between work-family conflict and love schema with respect to the extramarital relationships among couples who both work. The research method was correlation of structural equation modeling. The statistical population was all couples were both employed in Tehran.

✉Corresponding Author: Departement of Psychology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Iran.
Email: behjati@ardakan.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه تعارض کار - خانواده و طرحواره عشق با نگرش به روابط فرازنشویی زوجین هر دو شاغل انجام شد. روش پژوهش هم‌بستگی از نوع مدل‌یابی معادله‌های ساختاری بود. جامعه آماری زوجین هر دو شاغل شهر تهران بودند. حجم نمونه ۲۱۲ نفر بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

✉نویسنده مسئول: اردکان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه روان‌شناسی و مشاوره
پست الکترونیک: behjati@ardakan.ac.ir

The sample size was 212 people who were selected by available sampling method. The research tools included Schott's Emotional Intelligence Scale, Carlson's Work-Family Conflict Scale, Singles' Love Schema Scale, and Mark Whatley's Attitude Scale towards Extramarital Relationships. Data analysis was done using SPSS-26 and AMOS24 software. The results showed a significant positive relationship between work-family conflict and unstable love schema on the attitude toward extramarital relationships. The effect of safe love schema, unstable love schema, and work-family conflict on attitudes toward extramarital relationships with respect to the mediating role of emotional intelligence was significant. The clingy love schema on attitudes toward extramarital relationships was not significant. The results showed that work-family conflict and love schema are good explanations for extramarital relationships in working couples and emotional intelligence can play a suitable mediating role. When work-family conflict occurs, the pressure caused by one role affects the person's performance in another role.

Keywords: love Schema, Xtramarital Relationships, Emotional Intelligence, Work-Family Conflict-Family.

ابزار پژوهش شامل مقیاس هوش هیجانی شات، مقیاس تعارض‌های کار - خانواده کارلسون، مقیاس طرحواره عشق سینگلز و مقیاس نگرش به روابط فرازناشویی مارک واتلی بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS-26 و AMOS-24 انجام شد. یافته‌ها نشان داد تعارض کار-خانواده و طرحواره عشق بی‌ثبات بر متغیر نگرش به روابط فرازناشویی، مثبت و معنادار بود. اثر طرحواره عشق ایمن و هوش هیجانی بر متغیر نگرش به روابط فرازناشویی، منفی و معنادار بود، ولی طرحواره عشق چسبنده بر متغیر نگرش به روابط فرازناشویی، معنادار نبود. اثر طرحواره عشق ایمن، طرحواره عشق بی‌ثبات و تعارض کار - خانواده بر نگرش به روابط فرازناشویی با نقش میانجی هوش هیجانی معنادار بود. طرحواره عشق چسبنده بر نگرش به روابط فرازناشویی، معنادار نبود. زمانی که تعارض کار - خانواده پدید می‌آید، فشار ناشی از یک نقش، بر کارکرد شخص در نقش دیگر اثر می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: طرحواره عشق، روابط فرازناشویی، هوش هیجانی، تعارض کار - خانواده.

مقدمه

خانواده منبع عواطف انسانی و صمیمی‌ترین مرکز روابط و تعامل‌های بین‌فردی، و محلی برای تأمین نیازهای عاطفی، مادی، تکاملی و معنوی است و مهم‌ترین هسته هر جامعه و مرکزی برای حفظ سلامت روان محسوب می‌شود (موگیلسکی، ریو، نیکولز، دونالدسون، میشل و ولینگ، ۲۰۱۹). زندگی مشترک می‌تواند نتایج خوبی برای کیفیت کلی زندگی در پی داشته باشد (کالگان، بروکس و پالمر، ۲۰۱۷)؛ هرچند بیشتر روابط رمانتیک شامل انتظارات از تک‌همسری است و مفهوم تلویحی درباره پیوندهای زناشویی انتظار وفاداری جنسی است. صرف‌نظر از جهت‌گیری‌های مذهبی، بیشتر افراد با این موضوع موافق‌اند و معتقدند ازدواج یا پیمان ازدواج به طور ضمنی و صریح شامل «رها کردن دیگران» است.

پس از آنکه این تعهد شکسته شود، عهدشکنی و رابطه فرازنشویی رخ داده است (تافادزوا و هربرت^۳، ۲۰۱۸) که یکی از پیچیده‌ترین و آسیب‌زاترین مشکلات عاطفی زوجین است. حتی برای موفق‌ترین افراد نیز احتمال تمایل به روابط فرازنشویی هست، و اگر همسری بهداشت روان فردی و امور ارتباطی زندگی مشترک را رعایت نکند، احتمال وقوع آسیب‌های مشترک بیشتر می‌شود (حاجی آدینه و کلهرنیا گلکار^۴، ۱۳۹۸). افراد با نگرش‌های گوناگون در مواجهه با روابط فرازنشویی واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند. این تفاوت در واکنش‌ها به عوامل متعددی از جمله مدل رابطه فرازنشویی بستگی دارد. برای مثال برخی افراد با وجود عهدشکنی که به وقوع پیوسته، ترجیح می‌دهند در رابطه بمانند و برای بهتر شدن رابطه باهم تلاش کنند و برخی دیگر به رابطه زناشویی خاتمه می‌دهند (شاکلفورد، باس، و بنت^۵، ۲۰۰۲؛ به نقل از شیرن، آپالنیز و واگنر^۶، ۲۰۱۸). بر این اساس، می‌توان دریافت که عوامل مختلفی بر نگرش به روابط فرازنشویی مؤثرند که برای پیشگیری از این پدیده باید علل و انگیزه افراد و نگرش آن‌ها به روابط فرازنشویی بررسی شود.

یکی از جوانب مهم زندگی زناشویی مؤثر بر روابط زوجین، اشتغال به کار هر دو زوج است. تغییر شیوه زندگی امروزی از نوع سنتی به مدرن، سبب تهدید تعادل بین کار و خانواده شده است. این موضوع در ادبیات روان‌شناسی، تعارض کار - خانواده نامیده می‌شود (موسوی‌نیا، نعیمی، ارشدی و بشلیده^۷، ۱۳۹۹). از آنجاکه ماهیت شغل ممکن است تعارض‌هایی^۸ بین مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی برای هریک از زوجین ایجاد کند، همه کارکنان ممکن است گرفتار تعارض بین کار و خانواده^۹ شوند. تعارض کار-خانواده در واقع تعارض نقش است که در آن فشارهای کاری و خانوادگی از هر دو طرف یا از جهاتی تعادل ندارند. یعنی انجام هم‌زمان کارهای شغلی و خانوادگی دشوار می‌شود و اجرای هم‌زمان دو یا چند نقش با انتظارات متفاوت و متناقض، به تعارض بین نقش‌های حرفه‌ای و خانوادگی منجر می‌شود (اورن و لوین^{۱۰}، ۲۰۱۷). وجود تعارض بین کار و خانواده می‌تواند با کاهش رضایت زناشویی همراه باشد (سان، مک‌میل، کراتر و جونز^{۱۱}، ۲۰۱۷؛ پائولین، لچانس - گرزلا و مک‌گی^{۱۲}، ۲۰۱۷). مطالعات تجربی در زمینه ارتباط بین کار و خانواده، نشان می‌دهد که این دو حوزه نه تنها به هم وابسته‌اند، بلکه بر هم اثر می‌گذارند (فورد، هاینن، و لانگ کامر^{۱۳}، ۲۰۰۷) و هریک از افراد صرف‌نظر از مشخصات دموگرافیک، وضعیت اقتصادی اجتماعی یا ساختار خانواده تحت تأثیر مسائل کار و خانواده قرار می‌گیرند (مک‌میلان، موریس، آتچلی^{۱۴}، ۲۰۱۱). فلوز، چپو، هیل، هاوکینز^{۱۵} (۲۰۱۶) نتیجه گرفتند که بین تعارض کار - خانواده و کیفیت رابطه زوجین، رابطه منفی معناداری وجود دارد.

یکی از مسائلی که باعث تعارض دائمی در محیط خانواده می‌شود، طرحواره عشق آن‌هاست. یانگ و بسیاری از افراد عقیده دارند که عشق رمانتیک ممکن است کشش متقابل شدیدی بین زن و مرد به وجود بیاورد، ولی این عشق طولانی‌مدت نیست و زمانی که شور اولیه بخوابد، انتظار می‌رود رابطه زناشویی که بر اساس چنین عشقی استوار شده است، متزلزل شود و از هم بپاشد (سوی، اورگانسی و ساکنن^{۱۶}، ۲۰۲۰). افراد مختلف، رفتارها، احساس‌ها و انتظارهایشان در عشق متفاوت است. به زبان علمی‌تر «طرحواره عشق» در افراد مختلف، بر اساس ویژگی‌های شخصیتی‌شان فرق می‌کند (هاتفیلد، رپسون و مارتل^{۱۷}، ۲۰۰۷). هاتفیلد و رپسون^{۱۸} (۱۹۹۶) معتقدند که طرحواره‌های عشق افراد به چگونگی شکل‌گیری رابطه عاشقانه و مبنی بر حل‌وفصل موضوع هویت نوجوانی و همچنین چگونگی راحتی آن‌ها با نزدیکی و استقلال از دیگران وابسته است.

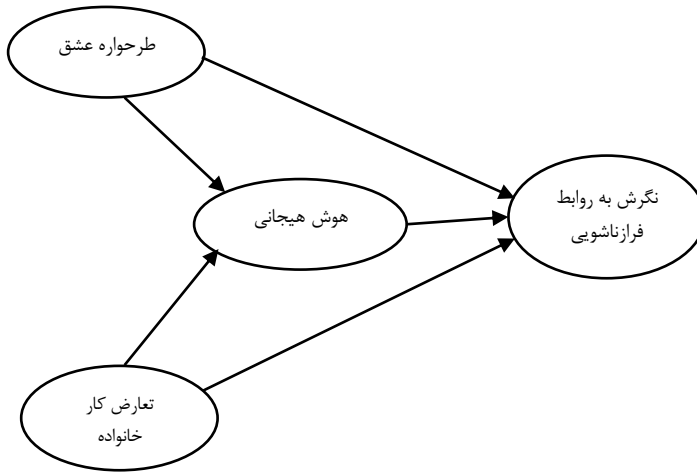
الگوی طرحواره‌های عشق با ترکیب دو نظریه مرحله‌ای اریکسون^{۱۹} و نظریه دل‌بستگی هازن و شیور^{۲۰} را ریسون و هاتفیلد ارائه کرده‌اند (هاتفیلد و ریسون^{۲۱}، ۲۰۱۵). طرحواره عشق با میزان راحتی فرد با نزدیکی، استقلال و میل به ایجاد روابط عاشقانه تعریف می‌شود و شامل چهار دسته است: ۱. طرحواره عشق ایمن^{۲۲} (افرادی که هم با صمیمیت و هم با استقلال از دیگران راحت هستند)، ۲. چسبنده^{۲۳} (افرادی که صمیمیت زیادی می‌خواهند)، ۳. کناره‌گیر (از جمله افرادی که از صمیمیت زیاد می‌ترسند، اما با استقلال مشکلی ندارند)، ۴. بی‌ثباتی^{۲۴} (نشان‌دهنده نداشتن آرامش روانی افراد با نزدیکی و استقلال است).

در پژوهش حاضر، سه دسته ایمن، چسبنده و بی‌ثبات بررسی شدند. اثر طرحواره‌های عشق بر افکار، احساسات و رفتارهای افراد در روابط عاشقانه، شکل‌گیری الگوهای شناختی مختلف و انتظارات از خود و شریک عشق کم‌وبیش شناخته شده است. نتایج کلین^{۲۵} (۲۰۱۱) و تحقیقات قبلی درباره رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و روابط خارج از ازدواج (آلن^{۲۶}، ۲۰۱۳؛ مارچز^{۲۷}، ۲۰۰۹؛ برینان و شاور^{۲۸}، ۱۹۹۵؛ دوهرتی^{۲۹} و همکاران، ۱۹۹۴) و همچنین رابطه بین طرحواره‌های عشق و گرایش جنسی اجتماعی، تعهد به همسر و سبک‌های عشق‌ورزی (استفان و بچمن^{۳۰}، ۱۹۹۹) را تأیید کرده‌اند.

احساسات و هیجان‌ها ممکن است روند تفکر و محتوای اندیشه، قضاوت و رفتار را تحت‌تأثیر قرار دهند (سلمانیان و عامری^{۳۱}، ۱۳۹۵). هوش هیجانی^{۳۲} یکی از عواملی است که می‌تواند در ایجاد و حفظ روابط شخصی در زوجین مؤثر باشد. هوش هیجانی مهارت‌ها یا توانایی‌هایی است که آگاهی از حالات عاطفی خود و دیگران و توانایی تنظیم یا استفاده از احساسات را برای تأثیر مثبت بر عملکرد و نقش فرد امکان‌پذیر می‌سازند (ماتینگلی و کرایگر^{۳۳}، ۲۰۱۹). به عبارت دیگر، هوش هیجانی توانایی فرد در درک و تجزیه و تحلیل احساسات خود و دیگران است (درویش متولی، آلتینای، دویتا^{۳۴}، ۲۰۱۸). درک متقابل یکی از مهم‌ترین عواملی است که به خوشبختی طولانی‌مدت زوجین کمک می‌کند. برای درک دیگران باید خود را درک کرد. فردی که از خود آگاهی داشته و توانایی درک دیگران را دارد، می‌تواند روابطش را به‌خوبی مدیریت کند و تعارض‌ها را بسیار بهتر از فردی که فاقد خودآگاهی است یا خودآگاهی کم دارد، حل کند (مولوی و جاگانانان^{۳۵}، ۲۰۲۰). گلمن^{۳۶} (۲۰۰۵) هوش هیجانی را عاملی مهم در رشد توانایی افراد برای موفقیت در زندگی می‌شناسد و آن را با سلامت عاطفی و به‌طور کلی سلامت روان مرتبط می‌داند. زندگی شخصی و شغلی با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و هوش هیجانی بر همه روابط اثر می‌گذارد و حفظ روابط سالم، طولانی‌مدت و مطلوب که به رشد شخصی کمک می‌کنند، بسیار مهم است (مولوی و جاگانانان، ۲۰۲۰). ابراز نکردن احساسات به بروز مشکلاتی در روابط زوجین منجر می‌شود (جنسن، شاسین و گونزالس^{۳۷}، ۲۰۱۷). همچنین مؤلفه‌های خوش‌بینی، همدلی، بیان عاطفی، خودآگاهی عاطفی و کنترل تکانه نقش مهمی در روابط زناشویی دارند (بتول و خالید^{۳۸}، ۲۰۱۲).

باتوجه به موارد فوق، و از آنجا که روابط خارج از ازدواج امروزه موضوعی است که زوج‌درمانگران مرتباً در کارهای بالینی‌شان با آن روبرو می‌شوند و احتمالاً تجربه دردناکی برای اعضای خانواده است (قربینسکی، گلاستون، نیکولوا، و اولسون^{۳۹}، ۲۰۲۰) و همچنین تحقیقات قبلی درباره رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و روابط خارج از ازدواج (آلن، ۲۰۱۳؛ مارچز، ۲۰۰۹؛ دوهرتی و همکاران، ۱۹۹۴)، رابطه بین طرحواره‌های عشق و گرایش جنسی اجتماعی، تعهد به همسر و سبک‌های عشق‌ورزی (استفان و بچمن، ۱۹۹۹) را تأیید کرده‌اند

(نقل شده از کلاهدوزی پور^{۴۰}، ۱۳۹۹). به علاوه، باتوجه به تأثیر شغل بر روابط زناشویی (هالشنگر و همکاران، ۲۰۱۳؛ پاینز، ۲۰۱۳؛ پاینز و نانز، ۲۰۰۳؛ به نقل از امیدفر و همکاران^{۴۱}، ۱۳۹۵) این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش بود که آیا هوش هیجانی در رابطه بین تعارض کار- خانواده و طرحواره عشق با نگرش به روابط فرازناشویی در زوجین هردو شاغل نقش میانجی دارد؟



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از لحاظ روش گردآوری و شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در دسته پژوهش‌های هم‌بستگی از نوع تحلیل مسیر بوده و از لحاظ هدف، کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زوجین هردو شاغل شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بودند.

در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن احتمال ریزش گروه نمونه، حجم نمونه ۲۱۲ زوج در نظر گرفته شد که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. بدین صورت که به منظور دستیابی به هدف، از بین تمامی زوجین هردو شاغل که در بازه زمانی ابتدای مرداد تا پایان مهر سال ۱۴۰۰ به مراکز مشاوره تحت نظارت سازمان نظام مشاوره و روان‌شناسی منطقه ۱ شهر تهران مراجعه کردند، ۲۱۲ زوج با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: دامنه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال، گذشت حداقل یک سال از زندگی مشترک با همسر، ازدواج اول و ازدواج رسمی و دائمی، مدرک تحصیلی حداقل دیپلم، رضایت آگاهانه هر دو جنس (زن و شوهر) برای شرکت در پژوهش.

شایان ذکر است که نداشتن هریک از ملاک‌های ورود و همچنین ابتلای یکی از زوجین یا هردو به اختلال شخصیتی، روانی و جسمی (بر اساس پرونده زوجین و گزارش مدیر مرکز بررسی شد) موجب خروج هردو زوج از پژوهش شد.

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد، ۵۰ درصد از پاسخ‌گویان تحقیق، زنان هستند و ۵۰ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. بیشترین فراوانی مربوط به پاسخ‌گویان با تحصیلات لیسانس (۳۸/۷ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به پاسخ‌گویان با تحصیلات دیپلم (۸/۰ درصد) بود. همچنین ۴۲/۵ درصد پاسخ‌گویان در مشاغل آزاد، ۲۷/۸ درصد در مشاغل دولتی و ۲۹/۷ درصد در مشاغل غیردولتی فعال بودند. بیشترین فراوانی مربوط به پاسخ‌گویان با پنج سال سابقه و کمتر (۳۴/۹ درصد)، و کمترین فراوانی مربوط به پاسخ‌گویان ۱۶ تا ۲۰ سال سابقه (۱۲/۷ درصد) بود. بیشترین فراوانی مربوط به پاسخ‌گویان با پنج سال طول مدت ازدواج و کمتر (۳۳/۵ درصد)، و کمترین فراوانی مربوط به پاسخ‌گویان ۱۶ تا ۲۰ سال طول مدت ازدواج (۹/۴ درصد) بوده است. بیشتر پاسخ‌گویان (۹۵/۸ درصد) وضعیت اقتصادی‌شان را متوسط ارزیابی کردند.

ابزار

۱. **مقیاس هوش هیجانی شات (SSREI)**^{۴۲}: این مقیاس شامل ۳۳ مورد است که شات، مالوف، هال، هاگرتی، کوپر و دورنهایم^{۴۳} (۱۹۹۸) برای اندازه‌گیری مؤلفه‌های هوش هیجانی تهیه کرده‌اند. پایایی این مقیاس را جوکار^{۴۴} (۱۳۸۶) ۰/۸۹ گزارش کرده است. در تحقیق رجیبان ده‌زیره و حیدری^{۴۵} (۱۳۹۹)، ضرایب قابلیت اطمینان، با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه هوش هیجانی ۰/۸۲ و برای خرده‌مقیاس‌های ارزیابی و بیان هیجان‌ها، تنظیم هیجان و بهره‌برداری از هیجان، به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۶۵ و ۰/۵۹ به دست آمد. برای اعتبار و روایی پرسش‌نامه، از هم‌بستگی آن با پرسش‌نامه خودگزارش هوش هیجانی پتریدز و فارنهام^{۴۶} (۲۰۰۰) که مارانی^{۴۷} (۱۳۸۲) استاندارد کرده است، استفاده شد و ضریب هم‌بستگی ۰/۳۴ کسب شد (علی‌اکبری دهکردی^{۴۸}، ۱۳۸۶).

۲. **مقیاس تعارض کار - خانواده (WFCS)**^{۴۹}: مقیاس تعارض‌های کار - خانواده کارلسون، کاکمار و ویلیام^{۵۰} (۲۰۰۰) هجده پرسش دارد. کارلسون و همکاران (۲۰۰۰) قابلیت اطمینان این پرسش‌نامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۷ گزارش کردند. روایی افتراقی این ابزار نیز در مطالعه آن‌ها با بررسی هم‌بستگی بین شش عامل بررسی شد که ضرایب هم‌بستگی در دامنه بین ۰/۲۴ تا ۰/۸۳ بودند. فقط دو مورد از هم‌بستگی‌ها بالاتر از ۰/۶ بود که نشانگر روایی افتراقی مطلوب این ابزار است. در تحقیق براتی و باقری‌کیا^{۵۱} (۱۳۹۸)، ضریب پایایی آلفای کرونباخ در این مقیاس برای ۱۴۲ آزمودنی ۰/۸۴ محاسبه شد که این نشانگر همسانی درونی بالای مقیاس است. ضریب هم‌بستگی بین نمره‌های یک نمونه ۴۰ نفره دو بار با فاصله دو هفته محاسبه شد تا قابلیت اطمینان مجدد آزمایش شود. این ضریب برای کل مقیاس ۰/۸۰ بود، که نشانه پایایی رضایت‌بخش مقیاس در آزمایش مجدد است. برای سنجش اعتبار و روایی هم‌زمان این مقیاس، از پرسشی استفاده شد که مفهوم مقیاس را به‌طور کلی داشت و سپس از هم‌بستگی آن با کل مقیاس به عنوان ضریب روایی هم‌زمان استفاده شد. این ضریب برابر با ۰/۶۱ و نشانه ضریب رضایت‌بخش روایی بود. در پژوهش حاضر نیز، آلفای کرونباخ، ۰/۷۳ به دست آمد که نشانگر مطلوبیت پایایی است.

۳. پرسش‌نامه طرحواره‌های عشق (LS)^{۵۲}: مقیاس طرحواره عشق ابزاری برای خودگزارشی با شش ماده است که سینگلز، چو و هاتفیلد^{۵۳} (۱۹۹۵) ساخته‌اند. هر ماده در این مقیاس، احساسات و تجربه‌های مرتبط با یک نوع طرحواره عشق را توصیف می‌کند و پاسخ‌دهنده با یک مقیاس شش‌امتیازی از «۱=مناسب‌ترین توصیف برای من» تا «۶=کمترین تناسب برای من» استفاده می‌کند. میزان توافق آن را با هر ماده تعیین می‌کند. خرده‌مقیاس‌های LS طرحواره‌های عاشقانه ایمن چسبنده، گوشه‌گیر، ناپایدار و بی‌علاقه هستند که در پژوهش حاضر، خرده‌مقیاس‌های ایمن، بی‌ثبات و چسبنده استفاده شد. همچنین نمره‌های LS با مقیاس عشق مشفقانه، مقیاس انتخاب همسر و نیز افکار، احساسات و رفتارهایی که افراد درباره روابط متعهدانه و جدی ابراز می‌کنند، هم‌بستگی نشان داده است (سینگلز، چو و هاتفیلد، ۱۹۹۵). در تحقیقات کلاهدوزی‌پور (۱۳۹۹)، پایایی ترکیبی محاسبه شد و ۰/۷۸ به دست آمد که بیانگر پایایی مناسب این پرسش‌نامه است.

۴. مقیاس نگرش به روابط فرازنشویی: این مقیاس را مارک وایتلی^{۵۴} (۲۰۰۶) ساخته است. یافته‌های وایتلی (۲۰۰۶) نشانگر اعتبار مطلوب این نگرش است، به طوری که آلفای کرونباخ به دست آمده از ضریب همسانی داخلی ۸۰ درصد اندازه‌گیری می‌شود. در واقع، این پرسش‌نامه میزان تمایل و پذیرش یا رد خیانت از دیدگاه افراد مختلف را اندازه‌گیری می‌کند. پاسخ به هر عبارت در یک محدوده هفت‌گانه‌ای لیکرت تنظیم می‌شود (از کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۷). نمره‌گذاری عبارات ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰ و ۱۲ به صورت معکوس انجام می‌شود (از خیلی مخالف=۷ تا خیلی موافق=۱). دامنه نمره در این مقیاس ۱۲ تا ۸۴ است، به این معنا که نمره بالاتر به معنی پذیرش خیانت است. امتیاز ۴۸ فرد را بین پذیرش و رد خیانت قرار می‌دهد. آلفای کرونباخ این مقیاس در بین ۳۲۳ زن و مرد مجرد و متأهل ۰/۸۴ بود. میانگین به دست آمده برای این نمونه ۳۹/۱۵ است. برای تعیین پایایی این مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ و بازآزمایی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس نگرش به روابط خارج از ازدواج ۷۱ درصد است. ضریب بازآزمایی به دست آمده از اجرای این آزمون ۸۷ درصد است. در پژوهش حاضر نیز، آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد که نشانگر مطلوبیت پایایی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به دو شیوه توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS، نسخه ۲۶ و AMOS، نسخه ۲۴ انجام شد.

بیان یافته‌ها

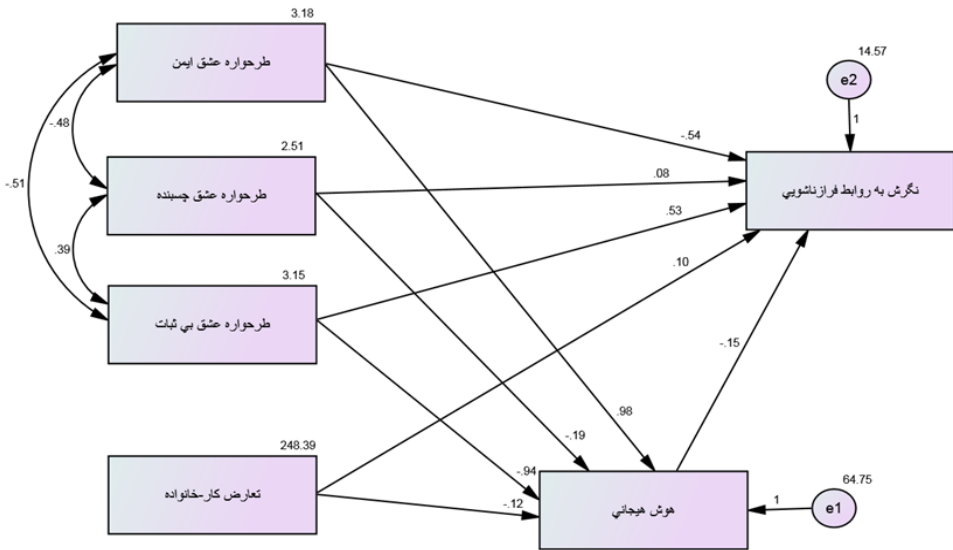
قبل از آزمون فرضیه‌ها، باید نرمال بودن متغیرهای اصلی بررسی شود، به این ترتیب که با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف نرمال بودن داده‌ها آزموده می‌شود. اگر در این آزمون سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ باشد، داده‌ها نرمال هستند.

جدول ۱: آزمون نرمالیتی متغیرهای پژوهش

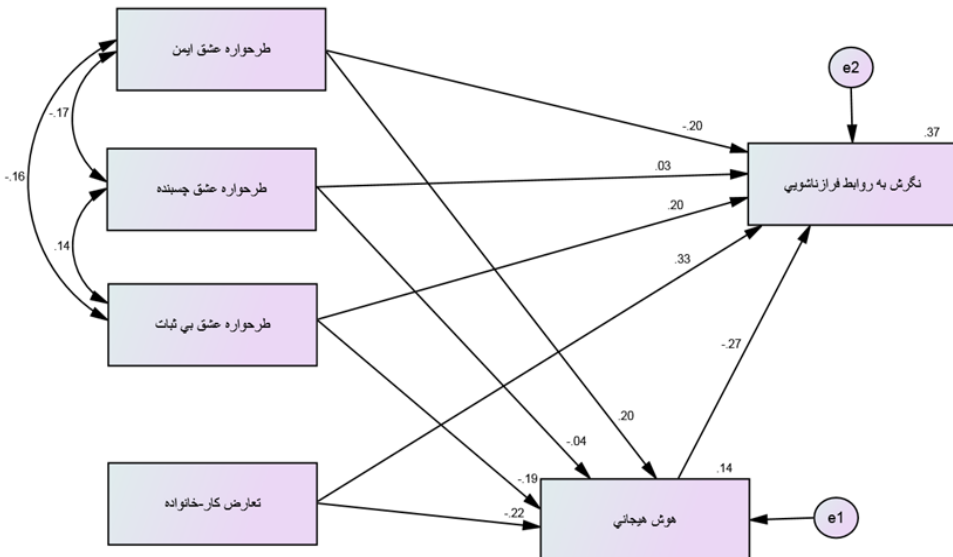
هوش هیجانی	طرحواره عشق بی‌ثبات	طرحواره عشق ایمن	طرحواره عشق چسبنده	تعارض کار - خانواده	نگرش به روابط فرازنشویی
۰/۰۶۱	۰/۰۴۳	۰/۰۴۱	۰/۰۴۸	۰/۰۵۹	۰/۰۶۳
۰/۰۵۸	۰/۱۷۳	۰/۰۸۷	۰/۲۰۰	۰/۰۸۷	۰/۲۰۰

جدول فوق نشان می‌دهد که تمامی سطوح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ هستند، بنابراین توزیع داده‌ها نرمال است.

به منظور بررسی فرضیه‌های تحقیق، از تحلیل مسیر استفاده شد که نتایج آن در شکل‌ها و جداول زیر گزارش شده است:



شکل ۲: عوامل مؤثر بر نگرش به روابط فرازنشویی در حالت غیراستاندارد



شکل ۳: عوامل مؤثر بر نگرش به روابط فرازنشویی در حالت استاندارد

در این تحقیق، برای بررسی مدل تحلیل عامل تأییدی از مشخصه‌های GFI, RMSEA, CMIN/DF, CFI, TLI استفاده شده است. شاخص CMIN/DF یک معیار ثابت برای یک مدل قابل قبول ندارد، اما مقادیر کمتر CMIN/DF نشان‌دهنده برازش بهتر مدل است و مقادیر کوچک‌تر از ۳ مطلوب تلقی می‌شود. از شاخص RMSEA (معروف به شاخص رمزی) برای مدل‌های مطلوب برابر با ۰/۰۸ یا کوچک‌تر است. بالاخره اینکه، مقادیر GFI, TLI, CFI باید ۰/۹۰ یا بزرگ‌تر باشد تا مدل مطلوب تلقی شود.

جدول ۲: برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل

شاخص	برآزش مطلق		برآزش تطبیقی		برآزش مقتصد	
	GFI	CMIN	CFI	TLI	DF	RMSEA
مقدار	۰/۹۹۱	۵/۸۱۶	۰/۹۸۱	۰/۹۰۵	۳	۰/۰۶۷

شاخص‌های بررسی برازش مدل مسیر با توجه به دامنه مطلوب آن‌ها، نشانگر این است که مدل پژوهش توسط داده‌های تحقیق حمایت می‌شوند. به عبارت دیگر، مدل از برازش خوبی برخوردار است.

جدول ۳: برآورد تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر نگرش به روابط فرازنشویی

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	برآورد			
			مستقیم		غیرمستقیم	
			مقدار	P	مقدار	P
طرحواره عشق ایمن	هوش هیجانی	هوش هیجانی	۰/۲۰۰	۰/۰۰۱	-	-
			-۰/۱۹۹	۰/۰۰۱	-	-
طرحواره عشق چسبنده	هوش هیجانی	هوش هیجانی	۰/۰۳۵	۰/۰۶۶۷	-	-
			-۰/۰۲۶	۰/۰۶۸۱	-	-
طرحواره عشق بی‌ثبات	هوش هیجانی	هوش هیجانی	-	-	۰/۰۱۰	۰/۰۱۶
			-۰/۱۹۲	۰/۰۰۳	-	-
تعارض کار-خانواده	هوش هیجانی	هوش هیجانی	۰/۱۹۷	۰/۰۰۱	-	-
			-۰/۲۲۰	۰/۰۰۳	-	-
هوش هیجانی	-	-	۰/۳۲۷	۰/۰۰۱	-	-
			-۰/۲۷۲	۰/۰۰۱	-	-

طبق جدول ۳ و نمودار ۲، نتایج زیر حاصل شد:

اثر مستقیم تعارض کار - خانواده بر متغیر نگرش به روابط فرازنشویی، از لحاظ آماری مثبت و معنادار است ($P < ۰/۰۰۱$ و $\beta = ۰/۳۲۷$). همچنین اثر مستقیم طرحواره عشق بی‌ثبات بر متغیر نگرش به روابط

فرازناشویی از لحاظ آماری مثبت و معنادار است ($P < 0/001$ و $\beta = 0/197$). اثر مستقیم طرحواره عشق چسبنده بر متغیر نگرش به روابط فرازناشویی، از لحاظ آماری معنادار نیست ($P > 0/05$ و $\beta = 0/026$). بنابراین، رابطه مستقیم بین طرحواره عشق چسبنده و نگرش به روابط فرازناشویی تأیید نمی‌شود. اثر مستقیم طرحواره عشق ایمن بر متغیر نگرش به روابط فرازناشویی، از لحاظ آماری منفی و معنادار است ($P < 0/001$ و $\beta = -0/199$). اثر مستقیم هوش هیجانی بر متغیر نگرش به روابط فرازناشویی، از لحاظ آماری مثبت و معنادار است ($P < 0/001$ و $\beta = -0/272$). اثر مستقیم تعارض کار-خانواده بر متغیر هوش هیجانی، از لحاظ آماری منفی و معنادار است ($P < 0/001$ و $\beta = -0/220$). اثر مستقیم طرحواره عشق بی‌ثبات بر متغیر هوش هیجانی، از لحاظ آماری منفی و معنادار است ($P < 0/001$ و $\beta = -0/192$). اثر مستقیم طرحواره عشق چسبنده بر متغیر هوش هیجانی، از لحاظ آماری معنادار نیست ($P > 0/05$ و $\beta = -0/035$). بنابراین، رابطه مستقیم بین طرحواره عشق چسبنده و هوش هیجانی رابطه مستقیم تأیید نمی‌شود. اثر مستقیم طرحواره عشق ایمن بر متغیر هوش هیجانی، از لحاظ آماری مثبت و معنادار است ($P < 0/001$ و $\beta = 0/200$).

جدول ۴: خروجی محاسبه آماره سوبل برای محاسبه نقش میانجی هوش هیجانی در رابطه بین طرحواره عشق ایمن با نگرش به روابط فرازناشویی

Input:		Test statistic:	Std. Error:	p-value:
a	0.976	Sobel test: -2.54362808	0.05755558	0.01097078
b	-0.150	Aroian test: -2.50237425	0.05850444	0.01233634
S _a	0.318	Goodman test: -2.5869919	0.05659082	0.00968179
S _b	0.033	Reset all	Calculate	

a (ضریب مسیر متغیر مستقل و میانجی)	b (ضریب مسیر متغیر میانجی و وابسته)	Sa (خطای استاندارد رابطه مستقل و میانجی)	Sb (خطای استاندارد رابطه میانجی و وابسته)	آماره سوبل	خطای معیار	سطح معناداری
۰/۹۷۶	-۰/۱۵۰	۰/۰۳۱	۰/۰۳۳	۲/۵۴	۰/۰۵۸	۰/۰۱۰

مقدار به‌دست‌آمده ۲/۵۴- است که از قدرمطلق ۱/۹۶ بزرگ‌تر بوده و بر اساس P-Value گزارش شده، در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین، رابطه غیرمستقیم بین طرحواره عشق ایمن با نگرش به روابط فرازناشویی با نقش میانجی هوش هیجانی تأیید می‌شود.

برای محاسبه اثر میانجی هوش هیجانی در ارتباط بین طرحواره عشق چسبنده و نگرش به روابط فرازناشویی ابتدا باید تأثیر متغیر پیش‌بین (طرحواره عشق چسبنده) بر متغیر ملاک (نگرش به روابط فرازناشویی) معنادار باشد که نتایج جدول شماره ۴ نشان داد این تأثیر معنادار نیست. بنابراین نمی‌توان معناداری اثر میانجی را اندازه گرفت، ولی اثر غیرمستقیم را می‌توان محاسبه کرد. محاسبه اثر غیرمستقیم در جدول ۴ نیز نشان داد که اثر غیرمستقیم این متغیر نیز معنادار نیست ($P > 0/05$).

جدول ۵: خروجی محاسبه آماره سوبل برای محاسبه نقش میانجی هوش هیجانی در رابطه بین طرحواره عشق بی‌ثبات با نگرش به روابط فرازنشویی

Input:		Test statistic:	Std. Error:	p-value:
a	-0.939	Sobel test: 2.47620851	0.05688132	0.0132786
b	-0.150	Aroian test: 2.43511408	0.05784123	0.0148871
s _a	0.318	Goodman test: 2.51945623	0.05590492	0.01175363
s _b	0.033	Reset all	Calculate	

a (ضریب مسیر متغیر مستقل و میانجی)	b (ضریب مسیر متغیر میانجی و وابسته)	Sa خطای استاندارد رابطه مستقل و میانجی	Sb خطای استاندارد رابطه میانجی و وابسته	آماره سوبل	خطای معیار	سطح معناداری
-۰/۹۳۹	-۰/۱۵۰	۰/۳۱۸	۰/۰۳۳	۲/۴۸	۰/۰۵۷	۰/۰۱۳

باتوجه به نتایج جدول ۵، مقدار به دست آمده ۲/۴۸ است که از قدر مطلق ۱/۹۶ بیشتر است و بر اساس سطح معناداری گزارش شده، در سطح کوچکتر از ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین بین طرحواره عشق بی‌ثبات با نگرش به روابط فرازنشویی با نقش میانجی هوش هیجانی، رابطه غیرمستقیم وجود دارد.

جدول ۶: خروجی محاسبه آماره سوبل برای محاسبه نقش میانجی هوش هیجانی در رابطه بین تعارض کار - خانواده با نگرش به روابط فرازنشویی

Input:		Test statistic:	Std. Error:	p-value:
a	-0.121	Sobel test: 2.75168877	0.00659595	0.00592888
b	-0.150	Aroian test: 2.7104478	0.00669631	0.00671924
s _a	0.035	Goodman test: 2.79487142	0.00649404	0.00519204
s _b	0.033	Reset all	Calculate	

a (ضریب مسیر متغیر مستقل و میانجی)	b (ضریب مسیر متغیر میانجی و وابسته)	Sa خطای استاندارد رابطه مستقل و میانجی	Sb خطای استاندارد رابطه میانجی و وابسته	آماره سوبل	خطای معیار	سطح معناداری
-۰/۱۲۱	-۰/۱۵۰	۰/۰۳۵	۰/۰۳۳	۲/۷۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶

باتوجه به نتایج جدول ۶، مقدار به دست آمده ۲/۷۵ است که از قدر مطلق ۱/۹۶ بیشتر است و بر اساس سطح معناداری گزارش شده، در سطح کوچکتر از ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین بین تعارض کار-خانواده با نگرش به روابط فرازنشویی با نقش میانجی هوش هیجانی، رابطه غیرمستقیم وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی هوش هیجانی در رابطه تعارض کار-خانواده و طرحواره عشق با نگرش به روابط فرازنشویی زوجین هردو شاغل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران انجام شد. طبق

نتایج تحقیق، اثر مستقیم تعارض کار-خانواده بر متغیر نگرش به روابط فرازنشویی، از لحاظ آماری معنادار است. این یافته با یافته‌های غلامی جوادیه، کاظمی و ابادری^{۵۵} (۱۳۹۸) و فلوس و همکاران^{۵۶} (۲۰۱۶) همخوان است.

تعارض کار - خانواده نوع ویژه‌ای از کنش بین نقش‌هاست که شخص را به طور هم‌زمان با تقاضاهای گوناگون و ناسازگار ناشی از مسئولیت‌های کاری و خانوادگی درگیر می‌سازد. به این معنا که هرگاه اشخاص قادر به انجام دادن هم‌زمان وظایف شغلی و خانوادگی‌شان نشوند، دچار کنش بین نقش‌های خانوادگی و شغلی شده‌اند. گفت‌وگو مهم‌ترین مهارت در تحکیم بنیان و ایجاد فضای گرم در خانواده‌ها و فرصتی است تا اشخاص علایق، صمیمیت و کدورت‌هایشان را ابراز کنند و مانع ایجاد فاصله عاطفی بین زوجین شود. طبیعتاً زوجینی که هر دوی آن‌ها شاغل‌اند، نسبت به زوجینی که فقط یک نفر از آن‌ها (در اکثر مواقع مرد خانواده) شاغل است، فرصت کمتری برای صحبت کردن و ابراز احساسات به یکدیگر دارند.

از دیدگاهی دیگر، در برخی از موارد ارتباطات طولانی‌مدت در فضاهای کاری و گذراندن ساعات طولانی در محیط کار سبب گرایش‌های عاطفی بین زوجین شاغل و همکاران جنس مخالف خود می‌شود و درصدی برمی‌آیند کمبودهای موجود در زندگی مشترکشان را از طریق خیانت به همسرشان جبران کنند. بنابراین می‌توان گفت که بین تعارض کار-خانواده با نگرش به روابط فرازنشویی زوجین هردو شاغل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. روابط زناشویی یکی از مسائلی است که تعارض کار-خانواده افراد، آن را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. در ارتباط‌های زناشویی بهنجار، فرایند تحول روانی زن و شوهر و چرخه تحول خانواده به وسیله تعامل‌های سازنده همسران گسترش می‌یابد و هنجارهای اجتماعی به آن عمومیت می‌بخشد (سیوینگ و سیبل^{۵۷}، ۲۰۱۶). از دید درمانگران، روابط فرازنشویی بیشتر بر مفهوم بی‌وفایی، تنوع‌طلبی جنسی یا خیانت تأکید دارد (مامی و صفرنیا^{۵۸}، ۱۳۹۷).

طبق یافته‌های پژوهش، اثر مستقیم طرحواره عشق بی‌ثبات بر متغیر نگرش به روابط فرازنشویی، از لحاظ آماری معنادار است. این یافته با نتایج پژوهش کلاهدوزی‌پور، باباخانی، قمری و پویامنش (۱۴۰۰) و عرب‌عامری و الهامی جوشقان^{۵۹} (۱۳۹۷) همسو است. در طرحواره عشق بی‌ثبات، وقتی زوجین از هم دورند، اشتیاق زیادی به نزدیکی نشان می‌دهند و هنگامی که به هم نزدیک می‌شوند، ترس از دل‌بستگی بر آن‌ها غلبه می‌کند. آنچه را ندارند، آرزو می‌کنند؛ ولی وقتی به دستش آوردند، رهایش می‌کنند. نه در دوری شادند و نه در نزدیکی (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۰۷).

افراد با طرحواره عشق بی‌ثبات به دلیل ویژگی‌های ذکر شده نمی‌توانند صمیمت و ارتباط مطلوبی با همسرشان داشته باشند و در خانواده‌هایی که هردو زوج شاغل‌اند، در اثر وجود تقاضاهای متعدد و مسئولیت‌های چندگانه و اهداف متعدد و نیاز شدید به پیشرفت، مشکلات بیشتری به وجود می‌آید و کیفیت تعامل‌ها و زندگی روزمره‌شان را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. همچنین زوجین با طرحواره عشق بی‌ثبات در مواقع بروز تعارض‌ها و مشکلات زناشویی، با راهبردهای حل مسئله آشنایی چندانی ندارند (یارمحمدی واصل، مهرابی‌پور و ذوقی پایدار^{۶۰}، ۱۴۰۰).

یافته‌ها نشان داد اثر مستقیم طرحواره عشق چسبنده بر متغیر نگرش به روابط فرازنشویی، از لحاظ آماری معنادار نیست. افراد با طرحواره عشق چسبنده اعتمادبه‌نفس ضعیفی دارند؛ فکر می‌کنند طرف مقابل

دوستشان ندارد؛ به شکل بیمارگونه‌ای به رابطه معتادند و به معشوق وابستگی بیش از حد نشان می‌دهند؛ تمام ترسشان از دست دادن معشوق است؛ می‌خواهند تمام وقت آزادشان را با معشوق سرکنند، لذا رابطه با دوستانشان را قطع می‌کنند؛ به شکلی طرف مقابل را در رابطه گیر می‌اندازند؛ معمولاً نیاز غیرطبیعی‌شان به نزدیک کردن رابطه، طرف مقابل را واپس می‌راند (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۰۷). هرترز^{۶۱} (۱۹۸۶) می‌گوید زوجین هر دو شاغل تجارب سازمانی و شغلی مشترکشان را برای کمک به عملکرد در خانه به طور مؤثرتری به کار می‌برند. از سوی دیگر، افراد دارای عشق چسبنده، استقلال و اعتمادبه‌نفس ضعیفی دارند؛ ولی جامعه ما در این پژوهش، زوجین شاغل هستند و افراد شاغل به علت نقش چشمگیر و تأثیرگذاری که در جامعه دارند، وابستگی بیش از حد ندارند و رابطه معنادار با نگرش به روابط فرازنشویی وجود ندارد.

اثر مستقیم طرحواره عشق ایمن بر متغیر نگرش به روابط فرازنشویی، از لحاظ آماری منفی و معنادار است. این یافته با نتایج پژوهش کلاهدوزی‌پور، باباخانی، قمری و پویامنش (۱۴۰۰) و عرب‌عامری و الهامی جوشقان (۱۳۹۷) و شریفی و همکاران^{۶۲} (۱۳۹۱) همسو است. عشق و محبت از کیفیتی برخوردار است که می‌تواند بسیاری از تنش‌های میان زوجین را محو کند (خدابخشی کولایی، بهرامی، رستاک و اقلیما^{۶۳}، ۱۳۹۶). اشخاص با طرحواره عشق ایمن اشخاصی هستند که هم با نزدیکی و هم با مستقل شدن از دیگران راحت‌اند و مشکلی ندارند (هاتفیلد و رپسون، ۱۹۹۶).

بنابراین از عوامل تأثیرگذار در فرایند ایجاد روابط فرازنشویی کیفیت عشق است. استرنبرگ^{۶۴} (۱۹۹۷) مفهوم عشق را در سه جزء کلی که می‌توانند اضلاع یک مثلث باشند، شرح داده است: احساس صمیمیت؛ نزدیکی؛ برقراری ارتباط متقابل و دل‌بستگی در ارتباط؛ شور و اشتیاق؛ انگیزش‌های جنسی و جذابیت‌های جسمانی؛ تعهد و تصمیم برای برقراری ارتباط و در طولانی‌مدت، به شکل تعهد و احساس مسئولیت برای حفظ و تداوم آن.

اثر مستقیم هوش هیجانی بر متغیر نگرش به روابط فرازنشویی، از لحاظ آماری معنادار است. این رابطه، رابطه‌ای منفی و معنادار است. این یافته با نتایج پژوهش باقری و البهشتی^{۶۵} (۱۳۹۹)، سواری و طلایی‌زاده^{۶۶} (۱۳۹۴) و حاجی آدینه و کلهرنیا گلکار^{۶۷} (۱۳۹۸) همخوان است. هوش هیجانی به توانایی شخص برای انتخاب آگاهانه احساسات، افکار و رفتار به منظور دستیابی به نتایج مطلوب در ارتباط با خود و دیگران اشاره دارد که می‌تواند بر زندگی فردی و بین‌فردی تأثیرگذار باشد. هوش هیجانی شامل مهارت‌های شایستگی فردی است که نتیجه مهارت خودآگاهی و خودمدیریتی است. این مهارت واکنش افراد به اتفاق‌های خاص در مواجهه با مشکلات مختلف و حتی در برابر مردم را نشان می‌دهد؛ همچنین نشان‌دهنده اراده قوی برای تحمل موقعیت‌های نامناسبی است که به بروز احساسات منفی منجر می‌شوند. در این میان، زوجینی که هر دو شاغل‌اند، هنگامی موفق‌ترند که قادر باشند هوش هیجانی‌شان را در سطح مطلوبی نگه دارند؛ یعنی در برابر یکدیگر احساس مسئولیت داشته باشند و هیجان‌ها و احساساتشان را در مواقع حساس و موقعیت‌های استرس‌زا به خوبی مدیریت کنند.

اثر مستقیم تعارض کار - خانواده بر متغیر هوش هیجانی، از لحاظ آماری منفی و معنادار است. این یافته با نتایج پژوهش صادقی، طاهری، لطفی کاشانی و شریفی^{۶۹} (۱۳۹۹) و علایی‌نژاد و عسکری^{۷۰} (۱۳۹۷) همخوان است.

بهره‌گیری از هوش هیجانی موجب می‌شود که زوجین به جای فرار از مشکلات پیش‌آمده، درصدد جبران و ساخت روابط تخریب‌شده یا در حال تخریب بر بیایند و در موقعیت‌های سخت همه چیز را تحت نظارت خود درآورند و بازسازی روابط را مدیریت کنند. زوجین برخوردار از هوش هیجانی قادرند هیجان‌ها و احساسات خود و طرف مقابلشان را بشناسند، هیجان‌ها و احساساتشان را مدیریت کرده و از آن‌ها برای موقعیت‌های مختلف مثلاً حل مسئله استفاده کنند؛ لذا رابطه بین تعارض کار-خانواده و هوش هیجانی معکوس است.

اثر مستقیم طرحواره عشق بی‌ثبات بر متغیر هوش هیجانی، از لحاظ آماری منفی و معنادار است. این یافته با نتایج پژوهش قربانی پیشخانی^{۷۱} (۱۳۹۷) همسو است.

درهم‌تنیدگی عمیق میان زندگی شخصی و کاری زوج‌های شاغل، آن‌ها را با مشکلات پیچیده‌ای روبه‌رو می‌کند. بر اساس دیدگاه سالوی و مایر^{۷۲} (۱۹۹۰) توانایی فرد برای سازگاری با زندگی به توانمندی‌های هیجانی و عقلانی او بستگی دارد. بر این اساس، هوش هیجانی می‌تواند تفکر، حل مسئله، به‌زیستی روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی را بهبود بخشد. به عبارتی، زن و شوهری که هردو بیرون از خانه کار می‌کنند، در صورتی که مشکلات ناشی از شاغل بودن توأمان زن و شوهر را بشناسند، می‌توانند زناشویی رضایت‌بخشی داشته باشند. ولی برطرف نشدن نیازهای افراد در روابط زناشویی و نبود صمیمیت عاطفی بین آن‌ها ممکن است به انگیزه‌ای برای خیانت بدل شود.

اثر مستقیم طرحواره عشق چسبنده بر متغیر هوش هیجانی، از لحاظ آماری معنادار نیست. توبتر^{۷۳} (۱۹۸۳) می‌گوید که اعضای خانواده هردو شاغل خشنودی و امنیت و رسیدن به اهداف بسیاری را در زندگی فراهم می‌آورند. افراد با طرحواره عشق چسبنده دوست دارند به دیگران نزدیک باشند، اما از مستقل شدن می‌ترسند. این اشخاص نیازمند یک ارتباط بسیار صمیمی هستند و اغلب نگران‌اند که شریک زندگی‌شان مبدا آن‌ها را دوست نداشته باشند (هاتفیلد و رپسون، ۱۹۹۶).

اثر مستقیم طرحواره عشق ایمن بر متغیر هوش هیجانی، از لحاظ آماری مثبت و معنادار است. این یافته با نتایج پژوهش داورنیا، حمیدی‌پور و اصغرنژاد فرید^{۷۴} (۱۳۹۵) همخوان است. یکی از مشکلات زوجین شاغل این است که به علت مشغله کاری زمان کمتری در خانه هستند و وقتی هم به خانه می‌آیند، طبیعتاً خسته‌اند و زمان بیشتری برای تجدید قوا و انرژی نیاز دارند. وقت کمتر و خستگی بیشتر می‌تواند تأثیر منفی بر روابط زوجین بگذارد و زوجین نتوانند تعامل مثبت با هم داشته باشند؛ هرچند داخل منزل بودن تضمینی برای رابطه عاطفی خوب بین زوجین نیست، اما با این شرایط، داشتن هوش هیجانی به آن‌ها کمک می‌کند تا بتوانند با مشورت همدیگر برنامه‌ریزی مفیدی برای داشتن رابطه عاطفی خوب داشته باشند.

بین طرحواره عشق ایمن با نگرش به روابط فرازناشویی با نقش میانجی هوش هیجانی، رابطه غیرمستقیم وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش کلاهدوزی‌پور، باباخانی، قمری و پویامنش (۱۴۰۰) همسو است. از آنجاکه هوش هیجانی با کیفیت ارتباطات میان‌شخصی مرتبط است، طرحواره عشق ایمن هوش هیجانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به واسطه این هوش هیجانی روابط فرازناشویی کمتر می‌شود. به این دلیل که اشخاص با هوش هیجانی فراوان، ارتباط مثبت زیادی با دیگران برقرار می‌کنند و تعامل‌های منفی کمتری با نزدیکانشان دارند.

افراد دارای طرحواره عشق چسبنده، صمیمیت زیادی می‌خواهند و مستقل نیستند. از سوی دیگر، جامعه آماری ما زوجین هردو شاغل هستند که به استقلال مالی رسیده‌اند. همچنین آن‌قدر درگیر مشغولیات زندگی و کارند که صمیمیت و استقلال مدنظرشان را در انجام دادن به موقع کار پیدا می‌کنند. بنابراین، طرحواره عشق چسبنده در زوجین هردو شاغل کم است یا وجود ندارد که در ادامه به رابطه‌ای با نگرش فرازنشویی منجر شود. بنابراین بین طرحواره عشق چسبنده و نگرش به روابط فرازنشویی زوجین هردو شاغل، با میانجیگری هوش هیجانی رابطه‌ای وجود ندارد.

از دیگر نتایج تحقیق این بود که بین طرحواره عشق بی‌ثبات با نگرش به روابط فرازنشویی با نقش میانجی هوش هیجانی، رابطه غیرمستقیم وجود دارد. طرحواره عشق بی‌ثبات نشان‌دهنده نداشتن آرامش روانی افراد با نزدیکی و استقلال است؛ و این نداشتن آرامش در طرحواره عشق بی‌ثبات و نداشتن مهارت‌های ارتباطی قوی و استقلال، به نداشتن همدلی و نداشتن درک میان زوجین منجر می‌شود. بنابراین طرحواره عشق بی‌ثبات باعث کاهش هوش هیجانی می‌شود و به واسطه تحت‌تأثیر قرار گرفتن هوش هیجانی، روابط فرازنشویی افزایش می‌یابد.

یافته دیگر تحقیق نشان داد که بین تعارض کار-خانواده با نگرش به روابط فرازنشویی با نقش میانجی هوش هیجانی، رابطه غیرمستقیم وجود دارد. تعارض کار-خانواده نوع ویژه‌ای از کنش بین نقش‌هاست به این معنی که هرگاه اشخاص توانایی انجام دادن هم‌زمان وظایف شغلی و خانوادگی‌شان را نداشته باشند، دچار تعارض بین نقش‌های خانوادگی و شغلی شده‌اند؛ بنابراین کیفیت رابطه زنشویی خدشه‌دار می‌شود. فردی که خودآگاهی داشته و توانایی درک دیگران را دارد، می‌تواند روابطش را به‌خوبی مدیریت کند و تعارض‌ها را بسیار بهتر از فردی که فاقد خودآگاهی است یا خودآگاهی کم دارد حل کند؛ بنابراین به واسطه کاهش هوش هیجانی روابط فرازنشویی افزایش می‌یابد، چون توانایی درک همدلانه زوجین کاهش می‌یابد.

بر اساس نتیجه‌گیری کلی تحقیق، طرحواره‌های عشق در افراد مختلف بر اساس ویژگی‌های شخصیتی‌شان فرق می‌کند. شناخت این طرح‌واره‌ها برای پیش‌بینی رفتارها و انتظاراتی که در عشق داریم کمک‌کننده است. طبق این پژوهش تمام ابعاد طرحواره‌های عشق، به‌جز طرحواره عشق چسبنده، رابطه معناداری با هوش هیجانی داشتند؛ بنابراین توجه به نوع طرحواره عشق در افراد بسیار مهم است، چون متغیرهای مهمی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. هوش هیجانی شناخت و مدیریت عواطف و هیجان‌های خود و دیگران است و هنگامی که افراد بتوانند طرحواره عشق سالمی را تجربه کنند، بر روی مهارت‌های مؤثر دیگر و روابط بین‌فردی نیز متمرکز می‌شوند که یکی از آن‌ها هوش هیجانی است.

از محدودیت‌های پژوهش اینکه در بررسی عوامل مرتبط با نگرش به فرازنشویی، علاوه بر متغیرهایی که در این پژوهش ارزیابی و اندازه‌گیری شدند، متغیرهای دیگری نیز ممکن است اثر داشته باشند؛ لذا تفسیر نتایج باید با در نظر گرفتن این مسئله صورت گیرد. همچنین داده‌های این پژوهش مبتنی بر ابزارهای خودگزارشی است و ممکن است تحت‌تأثیر قرار گرفته باشد. از دیگر محدودیت‌های پژوهش، با توجه به تکمیل پرسش‌نامه‌ها به صورت نمونه‌گیری در دسترس، در تعمیم نتایج به سایر افراد باید احتیاط کرد. پیشنهاد می‌شود که در آینده، پژوهش‌هایی مشابه با تحقیق حاضر طراحی شود و نقش متغیرهای واسطه‌ای مثل صفات شخصیت، سلامت روان و کمال‌گرایی، تاب‌آوری و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مثل وضعیت

اقتصادی اجتماعی مدنظر قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود به عنوان متغیر پیش‌بین نگرش به روابط فرازنشویی، سایر متغیرهای مرتبط با خانواده مثل دل‌بستگی و ویژگی‌های ساختاری خانواده و مانند آن بررسی شود. به عنوان پیشنهادهای کاربردی پژوهش، پیشنهاد می‌شود که مشاوران و درمانگرانی که در حوزه خانواده و خانواده‌درمانی کار می‌کنند، به تأثیر هوش هیجانی، به عنوان توانایی قابل اکتساب، بر نگرش به روابط فرازنشویی توجه بیشتری معطوف کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود از آموزه‌های تحلیل رفتار متقابل در مراکز مشاوره قبل از ازدواج برای مجهز ساختن زوجین به مهارت‌های ارتباطی مناسب و رضایت‌بخش برای داشتن طرحواره عشق مناسب استفاده شود.

تقدیر و تشکر

از همهٔ زنان و مردان متأهل شهر تهران که با شرکت خود در پژوهش به روند اجرای آن کمک کردند، سپاس‌گزاری می‌شود. مقاله حاضر منتج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره از دانشگاه اردکان است.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--|---|
| 1. Mogilski, Reeve, Nicolas, Donalds-on & Mitchell | 41. Omidi Far, PourEbrahim, Khosh Konesh & Moradi |
| 2. Callaghan, Brookes & Palmer | 42. Schutte Emotional Intelligence Questionnaire (SSREI) |
| 3. Tafadzwa & Herbert | 43. Schutte, N. S., & Malouff, J. M. |
| 4. Haji Adina | 44. Jokar |
| 5. Shackelford, Buss & Bennett | 45. Rajabian, Dehzire\$Heidari |
| 6. Scheeren, Apellániz & Wagner | 46. Petraydz & Farenhaim |
| 7. Mosavinia, Neami, Arshadi & Bash-ilde | 47. Marani |
| 8. Conflict | 48. Aliakbaridehkordi |
| 9. Work-Family Conflict | 49. Work-Familyconflict Scale (WFCS) |
| 10. Oren & Levin | 50. Karlson, Kakmar & William |
| 11. Sun, McHale, Crouter & Jones | 51. Barati & Bagherikia |
| 12. Paulin, Lachance-Grzela & McGee | 52. Love Schema (LS) |
| 13. Ford, Heinen & Langkamer | 53. Singelis, Choo, Hatfield |
| 14. McMillan, Morris & Atchley | 54. Marck Vatili |
| 15. Fellows, Chiu, Hill & Hawkins | 55. Gholami Javadieh, Kazemi & Abazari |
| 16. Sevi, Urganci & Sakman | 56. Fellows, Chiu, Hill & Hawkins |
| 17. Hatfield, Rapson & Martle | 57. Sevinc & Sibel |
| 18. Hatfield & Rapson | 58. Mami, Sh. & Safarnia, A. |
| 19. Erikson & Erikson | 59. Arab Ameri, E, and Elhami Joshghan, A. |
| 20. Hazen & Chièvres | 60. Yarmohammadi Vasil, M, Mehrabipour, M, and Zoghipayadar, M. |
| 21. Hatfield & Rapson | 61. Sharifi, Haji Heidari, Khorvash, Fatehi - Zade |
| 22. Safe love/ Secure | 62. Khodabakhshikoolae, Bahrami & Rass-tak |
| 23. Clingy | |
| 24. Fickle | |
| 25. Clean | |

26. Marchese
27. Marchese
28. Brennan & Shaver
29. Doherty
30. Stephan & Bachman
31. Salmanian & Aameri
32. Emotional Intelligence
33. Mattingly & Kraiger
34. Darvishmotevali, Altinay & De Vita
35. Mulay & Jaganathan
36. Goleman
37. Jensen, Chassin & Gonzales
38. Batool & Khalid
39. Garbinsky, Gladstone, Nikolova & Olson
40. Kolahdozipour
63. Khodabakhshikoolae A., Bahrami S., - Rasstak, H.
64. Strenberg, R, J.
65. Savari & Talaezadeh
66. Haji Adina & Kalharnia Golkar
67. Haji Adina, Sh. and Kalharnia Golkar, M.
68. Sadeghi, Taheri, Lotfi Kashani & Sharifi
69. Sadeghi, J. Taheri, A. Lotfi Kashani, F. - and Sharifi, N.
70. Alayinejad & Asgari
71. Qurbani Pishkhani
72. Salovey & Mayer
73. Thoits
74. Davarnia, Hamidipour & Asgharanjad - Farid

منابع

- امیدی فر، ح.، پورا بر اهییم، ت.، خوش کنش، ا.، مرادی، ا. (۱۳۹۵). مقایسه و رابطه خودتنظیمی هیجانی با دزدگی و صمیمیت زناشویی در زوجین هر دو و یکی شاغل ادارات دولتی. *مشاوره شغلی و سازمانی*، ۸(۲۶)، ۵۰-۶۷.
- باقری، ن. و البهشتی، غ. (۱۳۹۹). بررسی نقش سرخوردگی زناشویی در نگرش به روابط فرازناشویی با نقش تعدیلی هوش هیجانی. *رویش روان‌شناسی*، ۹(۹)، ۱۳۹-۱۴۶.
- حاجی آدینه، ش. و کلهرنیا گلکار، م. (۱۳۹۸). رابطه هوش هیجانی و معنوی با نگرش دانشجویان به روابط فرازناشویی. *سلامت اجتماعی*، ۶(۴)، ۳۸۸-۳۸۰.
- براتی، ه. و باقری کیا، آ. (۱۳۹۸). بررسی نقش واسطه‌ای تعارض کار-خانواده در رابطه بین ویژگی شخصیتی کنش‌ور و رضایت زناشویی. *روان‌شناسی خانواده*، ۶(۲)، ۲۸-۱۵.
- خدابخشی کولایی، آ.، بهرامی، س.، رستاک، ح. و اقلیما، م. (۱۳۹۶). بررسی کیفیت عشق و رضایت جنسی در مردان با سابقه پیمان‌شکنی و فاقد سابقه پیمان‌شکنی. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۵(۴)، ۱۲-۵.
- داورنیا، ا.، حمیدی پور، ر. و اصغرنژاد فرید، ع. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی و هوش هیجانی با انواع عشق در زوجها، سومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روان‌شناسی، مشاوره و علوم رفتاری، تهران.
- رجیبیان ده‌زیره، م. و حیدری، س. (۱۳۹۹). رابطه بین هوش معنوی و هوش هیجانی با تاب‌آوری، رضایت از زندگی و سلامت روان در زوجین. *رویش روان‌شناسی*، ۹(۵)، ۱۱۶-۱۰۵.
- سلمانیان، ک. و عامری، ز. (۱۳۹۵). بررسی سبک‌های دل‌بستگی بر طلاق عاطفی بین دانشجویان آزاد شهرستان آبادان، *اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در روان‌شناسی، مشاوره و علوم تربیتی*، اهواز.
- سواری، ک. و طلایی‌زاده، م. (۱۳۹۴). مقایسه خیانت زناشویی و هوش هیجانی مطلقین و افراد متأهل عادی شهر اهواز. *دستاوردهای روان‌شناسی بالینی*، ۱(۲)، ۸۲-۶۷.

شریفی، م.، حاجی حیدری، م.، خورش، ف. و فاتحی‌زاده، م. (۱۳۹۱). رابطه طرحواره‌های عشق و توجیه روابط فرازنشویی در زنان متأهل شهر اصفهان. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۰(۶)، ۵۳۴-۵۲۶.

صادقی، ج.، طاهری، ا.، لطفی کاشانی، ف. و شریفی، ن. (۱۳۹۹). پیش‌بینی رفتار ایمنی کادر بهداشت و درمان بر اساس تعارض کار- خانواده و هوش هیجانی با میانجیگری فرسودگی شغلی. *روان‌پرستاری*، ۸(۴)، ۳۴-۲۴.

علایی‌نژاد، غ. و عسکری، ا. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط بین تعارض کار- خانواده و ویژگی شخصیتی با هوش هیجانی در دبیران و کارشناسان تربیت بدنی ادارات آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری، چهارمین همایش ملی کاربرد علوم ورزشی در توسعه تربیت بدنی و ورزش قهرمانی، مبارکه.

عرب‌عامری، ا. و الهامی جوشقان، ا. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین توجیه روابط فرازنشویی و سبک‌های عشق‌ورزی در زنان متأهل شهرستان اسفراین، اولین کنگره ملی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، اسفراین.

علی‌اکبری دهکردی، م. (۱۳۸۶). *شناسایی و مقایسه ترکیب‌های نه‌گانه سنخ‌های جنسیتی زنان شاغل شهر اهواز و شوهرانشان از لحاظ بهداشت روانی، رضایت زناشویی و هوش هیجانی*. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز.

غلامی جوادیه، ا.، کاظمی، م. و ابادری، ف. (۱۳۹۸). ارتباط طلاق عاطفی با تعارض کار- خانواده در پرسنل بالینی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان. *سلامت جامعه*، ۱۳(۲)، ۸۲-۷۴.

قربانی پیشخانی، ح. (۱۳۹۷). رابطه طرحواره‌های عشق، تجربه شکست عاطفی و خودکنترلی با توجیه روابط فرازنشویی دانشجویان مرد متأهل، پنجمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، قزوین.

کلاهدوزی‌پور، آیلار (۱۳۹۹). *مدل‌یابی روابط ساختاری الگوهای ارتباطی، طرحواره‌های عشق با تعهد زناشویی با واسطه‌گری سبک‌های عشق‌ورزی در زنان شاغل سازمان آموزش و پرورش*. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.

کلاهدوزی‌پور، آ.، باباخانی، و.، قمری، م. و پویامنش، ج. (۱۴۰۰). مدل‌یابی روابط ساختاری الگوهای ارتباطی، طرحواره‌های عشق با تعهد زناشویی با واسطه‌گری سبک‌های عشق‌ورزی. *خانواده و پژوهش*، ۱۸(۳)، ۸۳-۱۰۰.

مامی، ش. و صفرنیا، ا. (۱۳۹۷). اثربخشی رویکرد زوج‌درمانی سیستمی - سازه‌گرا بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و گرایش به روابط فرازنشویی زنان متقاضی طلاق. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱۴(۱)، ۹۰-۷۵.

پارمحمدی واصل، م.، مهرابی‌پور، م. و ذوقی‌پایدار، م. (۱۴۰۰). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس انواع طرحواره‌های عشق و جهت‌گیری اهداف زناشویی. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۶(۶۲)، ۱۰۸-۹۰.

Arab Ameri, E. & Elhami Joshghan, A. (2018). Investigating the Relationship between the Justification of Extramarital Relationships and Lovemaking Styles in Married Women of Esfrain City, the First National Congress for the Prevention of Social Harms, Esfrain [in Persian].

Alainejad, Gh. H. & Askari, A. (2018). Investigating the Relationship between Work-Family Conflict and Personality Traits with Emotional Intelligence in Teachers and Physical Education Experts of Chaharmahal and Bakhtiari Education Departments, the Fourth National Conference on the Application of Sports Science in the Development of Physical Education and Championship Sports, Mobarakeh [in Persian].

Ali Akbari Dehkordi, M. (2007). *Identifying and Comparing the Nine Combinations of Gender Profiles of Ahvaz Working Women and their Husbands in Terms of Mental*

- Health, Marital Satisfaction and Emotional Intelligence*. PhD Thesis, Shahid Chamran University, Ahvaz [in Persian].
- Bagheri N, Albeheshti G. (2020). The Investigating of the Role of Marital Disillusionment in Attitudes toward Infidelity with the Moderating Role of Emotional Intelligence. *Rooyesh*, 9 (9), 139-146 [in Persian].
- Brati, H, & Bagheri Kian, A. (2019). Investigating the Mediating Role of Work-Family Conflict in the Relationship between Proactive Personality Traits and Marital Satisfaction. *Family Psychology*, 6(2), 15-28 [in Persian].
- Batool, S.S., & Khalid, R. (2012). Emotional Intelligence: A Predictor of Marital Quality in Pakistani Couples. *Pakistan Journal Psychological Research*, 27 (1), 65-88.
- Caleb Harris, M.A. (2018). *Characteristics of Emotional and Physical Marital Infidelity that Predict Divorce*. London: ProQuest Publication.
- Davarnia, A. Hamidipour, R. and Asgharanjad Farid, A. (2016). Investigating the Relationship between Attachment Styles and Emotional Intelligence with Types of Love in Couples, the Third International Conference on Recent Innovations in Psychology, Counseling and Behavioral Sciences, Tehran [in Persian].
- Darvishmotevali, M., Altinay, L. & De Vita, G. (2018). Emotional Intelligence and Creative Performance: Looking through the Lens of Environmental Uncertainty and Cultural Intelligence. *International Journal of Hospitality Management*, 73, 44-54.
- Erikson, E. (1982). *The Life Cycle Completed: A Review*. New York: Norton
- Fellows, K. J., Chiu, H. Y., Hill, E. J. & Hawkins, A. J. (2016). Work-Family Conflict and Couple Relationship Quality: A Meta-Analytic Study. *Journal of Family and Economic Issues*, 37 (4), 509-518.
- Ford, M.T., Heinen, B. A. & Langkamer, K.L. (2007). Work and Family Satisfaction and Conflict: A Meta-Analysis of Cross-Domain Relations. *Journal of Applied Psychology*, 92(1), 57-80.
- Ghafourian Nowrozi, P., Asghari Ibrahimabad, M., Abdakhodaei, M. and Kimiaei, A. (2017). The Role of Individual, Family, Social and Religious Factors in Married [in Persian].
- GHolami Javadeh, A., Kazemi, M. & Abazari, F. (2019). The Relationship between Emotional Divorce and Work-family Conflict in the Clinical Staff of Rafsanjan University of Medical Sciences. *Community Health Journal*, 13(2), 74-82. Doi: 10.22123/chj.2019.85369.0. [In Persian].
- Haji Adina, sh. and Kalharnia Golkar, M. (2019). The Relationship between Emotional and Spiritual Intelligence and Students' Attitudes towards Extramarital.
- Hatfield, E. & Rapson, R. L. (2015). From Pen Pals to Chat Rooms: The Impact of Social Media on Middle Eastern Society. *SpringerPlus*, 4(1), 1-7.
- Hatfield, E. & Rapson, R. L. (1996). *Love and Sex: A Cross-Cultural Perspective*. New York: Allyn & Bacon.
- Hatfield, E., Rapson, R. L. & Martel, L. D. (2007). Passionate Love. *Handbook of Cultural Psychology*, 760-779.
- Hatfield, E., Singelis, T., Levine, T., Bachman, G., Muto, K. & Choo, P. (2007). Love Schemas, Preferences in Romantic Partners, and Reactions to Commitment. *Interpersonal*, 1, 1-24.
- Hazan, C, & Shaver, P. (1987). Romantic Love Conceptualized as an Attachment Process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52,511-524.

- Hertz, R. (1986). *More Equal than Others: Women and Men in Dual Career Marriages*. Los Angeles, CA: University of California press.
- Jensen, M., Chassin, L. & Gonzales, N. A. (2017). Neighborhood Moderation of Sensation Seeking Effects on Adolescent Substance Use Initiation. *Journal of Youth and Adolescence*, 46(9), 1953-1967.
- Khodabakhshikoolae, A., Bahrami, S., Rasstak, H. (2017). The Quality of Love and Sexual Satisfaction Survey among Loyal and Unfaithful Married Men. *Socialworkmag*, 5(4), 5-12 [in Persian].
- Kolahdozipour, Aylar (2019). *Modeling the Structural Relationships of Communication Patterns, Love Schemas with Marital Commitment with the Mediation of Love Styles in Women Working in the Education and Training Organization*. P.h.D Thesis, Islamic Azad University, Abhar Branch [in Persian]
- Kolahdozipour A., Babakhani, V., Ghamari, M., Pouyamanesh, J. (2021). Modeling the Structural Relations among Communication Patterns, Love Schemas and Marital Commitment with Mediation of Love Styles. *QJFR*, 18 (3), 83-100 [in Persian].
- Mami, Sh. & Safarnia, A. (2017). The Effectiveness of the Structural-Systemic Couple Therapy Approach on the Initial Incompatible Schemas and the Tendency to Extramarital Relationships of Women Seeking Divorce. *Psychological Studies*, 14(1), 75-90 [in Persian].
- Mattingly, V. & Kraiger, K. (2019). Can Emotional Intelligence Be Trained? A Meta-Analytical Investigation. *Human Resource Management Review*, 29(2), 140-155.
- McMillan, H. S., Morris, M. L. & Atchley, E. K. (2011). Constructs of the Work/Life Interface: A Synthesis of the Literature and Introduction of the Concept of Work/Life Harmony. *Human Resource Development Review*, 10(1), 6-25.
- Mogilski, J. K., Reeve, S. D., Nicolas, S. C., Donaldson, S. H., Mitchell, V. E. & Welling, L. L. (2019). Jealousy, Consent, and Compersion within Monogamous and Consensually Non-Monogamous Romantic Relationships. *Archives of Sexual Behavior*, 48(6), 1811-1828.
- Mulay, H. & Jaganathan, S. (2020). Study of Emotional Intelligence and its Impact on Couple Relationships and Work Life Balance in and around Mumbai. *IIBM'S Journal of Management Research*, 5, 1-2.
- Oren, L. & Levin, L. (2017). Work-Family Conflict/Enrichment: The Role of Personal Resources. *International Journal of Manpower*, 38 (8).
- Omid Far, H. Poorebrahim, T. Khoshkanesh, A. and Moradi, A. (2016). The Comparison and Relationship between Emotional Self-Regulation with Marital Burnout and Intimacy in one Practitioner and both Practitioner Couples in Governmental Offices. *Career and Organizational Counseling*, 8(26), 50-67 [in Persian].
- Paulin, M., Lachance-Grzela, M., & McGee, S. (2017). Bringing Work Home or Bringing Family to Work: Personal and Relational Consequences for Working Parents. *Journal of Family and Economic Issues*, 38, 463-476.
- Qurbani Pishkhani, h. (2018). Relationship between Love Chemas, Experience of Emotional Failure and Self-Control with Justification of Extramarital Relationships of Married Male Students, 5th International Conference on Psychology, *Educational Sciences and Lifestyle*, Qazvin [in Persian].

- Rajabian Dehzireh, M. & Heydari, S. (2020). The Relationship between Spiritual Intelligence and Emotional Intelligence with Resilience, Life Satisfaction and Mental Health in Couples. *Developmental Psychology*, 9(5), 116-105 [in Persian].
- Sadeghi, J. Taheri, A. Lotfi Kashani, F. and Sharifi, N. (2020). Predicting the Safety Behavior of Healthcare Workers Based on Work-Family Conflict and Emotional Intelligence with the Mediation of Job Burnout. *Psychiatric Nursing*, 8(4), 24-34 [in Persian].
- Salmanian, K. and Ameri, Z. (2016). Investigating Attachment Styles on Emotional Divorce among Azad Students of Abadan City, the First National Conference on Modern Researches in Psychology, Counseling and Educational Sciences, Ahvaz [in Persian].
- Salovey, P., Mayer, J. D., Goldman, S., Turvey, C. & Palfai, T. (1995). Emotional Attention, Clarity, and Repair: Exploring Emotional Intelligence Using the Trait Meta-Mood Scale. In J.W. Pennebaker (Ed.), *Emotion, Disclosure, and Health*, 125-15.
- Savari, K., & Talaezadeh, M. (2015). A Comparative Study of Marital Infidelity and Emotional Intelligence (EQ), in Divorced and Normal Married Couples of Ahwaz. *Achievements of Clinical Psychology*, 1(2), 67-82 [in Persian].
- Schutte, N. S., & Malouff, J. M. (2012). Priming Ability Emotional Intelligence. *Intelligence*, 40(6), 614-621.
- Sevi, B., Urganci, B. & Sakman, E. (2020). Who Cheats? An Examination of Light and Dark Personality Traits as Predictors of Infidelity. *Personality and Individual Differences*. 164(10), 1-7.
- Shackelford, T. K. & Buss, D. M. (1997). Cues to Infidelity. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 23(10), 1034-1045.
- Sharifi, M. Haji Heydari, M. Khorosh, F. and Fatehizadeh, M. (2012). Correlation between Love Schemas and Justifications for Extramarital Involvement in Married Women. *RBS*, 10(6), 526-534 [in Persian].
- Singelis, T., Choo, P. & Hatfield, E. (1995). Love Schemas and Romantic love. *Journal of Social Behavior and Personality*, 10, 15-36.
- Sevinc, M; Sibel, G.E. (2016). A Study of Parents Child Raising Styles and Marital Harmony. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2(3), 1648-1653.
- Strenberg, R, J. (1997). Construct Validation of a Triangular Love Scale. *European Journal of Social Psychology*, 27, 313-335.
- Tafadzwa, M., & Herbert, Z. (2018). The Nuptials Dilemma: Psycho-Social Factors behind Marital Infidelity among Men in Harare, Zimbabwe. *International Journal of Education and Psychology in the Community*, 8(1/2), 109-128.
- Thoits, P.A. (1983). Negotiating Roles. In F. J. Crosby (Ed), *Spouse, Parent, Worker: On Gender and Multiple Roles* (PP.11-21). New Haven, CT: Yale University Press.
- Yarmohammadi Vasil, M, Mehrabipour, M, and Zoghipayadar, M. (1401). Prediction of Marital Heartbreak Based on Types of Love Schemas and Orientation of Marital Goals. *New Psychological Research*, 16(62), 108-90 [in Persian].